

ترا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

چهاردهم اسفند

گرامی باد یاد «مصدق» بزرگ

زنان و مردان آزادی‌خواه؛

در چهاردهم اسفندماه ۱۳۴۵ مردی از میان ملت رفت که در سایه سلطه نظام استبدادی وابسته، همواره در میهن‌اش غریب و در خانه‌اش در تبعید به سر برد؛ با این همه، یاد و نام‌اش در سینه‌های میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان جهان چنان ثبت و ماندگار است. به راستی رمز و راز این مانایی و پایدگی او چه بود؟ دکتر «مصدق» از معدود کسانی بود که با تمام قوا با گزینش «رضا خان» به عنوان پادشاه جدید به مخالفت برخاست چه انتخاب او را خلاف مشروطیت می‌دانست؛ با این وجود استعمارگران او را به عنوان «رضا شاه»، شاهنشاه جدید ایران منصوب کردند. دکتر مصدق که مخالف حاکمیت فردی که زیر عنوان پادشاهی که در واقع فردی، ریاستی و استبدادی بود، دست از مبارزه بر نداشت و در نتیجه دکتر مصدق در تمامی دوران سلطنت رضا شاه در زندان یا تبعید به سر برد. پس از خلع رضا شاه از سلطنت توسط استعمارگرانی که او را بر مسند شاهی نشاندند بودند و با انتخاب شاه جدید، مصدق از تبعید خارج شد و به فعالیت قانونی خود در راه برقراری دموکراسی و مبارزه با استعمارگران و عوامل دست‌نشانده داخلی آنان ادامه داد. در غائله اشغال آذربایجان توسط نیروهای متجاوز شوروی و یاری سرسپردگان و دست‌نشانده استعمار سرخ با تمام توان علیه این اشغالگری بپاخواست. **مصدق که طرفدار موازنه منفی بود،** لایحه‌ای را در مجلس به تصویب رساند که **"واگذاری هرگونه امتیاز به کشورهای بیگانه را بدون تصویب مجلس منع می‌کرد."** و در زمانی که دکتر مصدق و یارانش زمره ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور را آغاز کردند. **اعضای حزب توده سرسپرده استعمار شوروی، شعار ملی کردن نفت جنوب را مطرح کردند که او با شجاعت اعلام کرد که صنعت نفت در سراسر کشور باید ملی شود.** مصدق و یارانش با اعتراض به انتخابات فرمایشی مجلس شورای ملی در آن زمان، با تحصن او در دربار، سرآغاز مبارزات او و یارانش تحت عنوان جبهه ملی ایران گردید که شاه ناچار به ابطال انتخابات و تجدید انتخابات شد و در انتخابات جدید دکتر مصدق با آرای واقعی مردم به عنوان نماینده اول تهران به مجلس شورای ملی راه یافت و موفق شد لایحه ملی کردن صنعت نفت را از تصویب بگذراند. پس از تصویب لایحه ملی شدن نفت، دکتر مصدق به عنوان نخست وزیر ایران انتخاب شد **و با انجام خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس در جنوب کشور و ملی کردن شیلات در شمال کشور که در دست همسایه شمالی بود منابع بزرگ اقتصادی را از دست بیگانگان به در آورد.** در درازای ۲۸ ماه زمامداری دکتر مصدق، دموکراسی به معنای واقعی آن با وجود کارشکنی‌های حزب توده و درباریان در کشور حکم‌فرما بود. بر خلاف دوره‌های قبل در این ۲۸ ماه، کسی را به خاطر ابراز عقیده، تحت تعقیب قرار نمی‌دادند و آزادی احزاب سیاسی و اجتماعات حکم‌فرما بود. تا آن که در ۲۸ مرداد ۳۲، با یک کودتای نظامی، با تایید برخی از روحانیون و یاری شماری از درباریان و قداره‌بندان تهران و ارادل و اوباشانی هم چون «شعبان جعفری» (بی مخ)، «محمود مسگر»، «حسین رمضان یخی» و... حکومت را ساقط کردند و بر منابع نفتی بار دیگر دست یافتند و کودتاگران دیکتاتوری سخت‌تر از استبداد رضا شاهی را برای مردم به ارمغان آوردند. **و سرانجام** دکتر مصدق در دادگاهی فرمایشی

به سه سال و پس از آن تبعید در دهکده (احمد آباد) محکوم کردند و تا پایان عمر در آن دهکده، در شرایط تبعید، به سر برد. **در اواخر عمر به سرطان حنجره مبتلا شد و اصرار افراد خانواده‌اش برای اعزام او به یک کشور اروپایی برای معالجه را نپذیرفت؛ چون آن را توهینی به پزشکان با شرف میهن می‌دانست و گفت: "اگر قرار است بمیرم، بگذارید در ایران بمیرم."** مصدق این آموزگار رهایی ملت‌های در بند استبداد و استعمار در ۱۴ اسفندماه چشم بر جهان فرو بست و برگزاری هر گونه آیین را برای او ممنوع و حتا اجازه ندادند طبق وصیت آن بزرگ‌مرد آزاده، پیکرش در کنار مزار شهدای سی تیر به خاک سپرده شود و به ناچار در همان دهکده احمد آباد، به رسم امانت به خاک سپرده شد و همه ساله از سوی علاقه‌مندان و ملت‌یون با تمام کارشکنی‌ها و محدودیت‌ها به دیدار و تجدید پیمان با او می‌روند. با دریغا! سال‌هاست که از برگزاری این مراسم بزرگداشت بر مزار او جلوگیری می‌شود.

هم میهنان؛

راز پایداری مصدق بزرگ نه برتری طلبی و خودمحوری، بلکه استقلال طلبی، آزادی خواهی، موازنه منفی، حاکمیت ملی، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی و قومی و توجه به خواسته‌های واقعی مردم و تلاش در برقراری حاکمیت مردم سالار به معنای واقعی کلمه بود. مصدق بزرگ درس مبارزه با استبداد و استعمار را به نسل‌های آینده آموخت و بسیاری از آرمان خواهان از مکتب مصدق آموختند. از آن جمله «نهر» گفته بود: **"در قرن ما آسیا، سه مرد بزرگ به وجود آورد که در جهان تاثیر نمایان گذاشته‌اند؛ این سه مرد بزرگ یکی «گاندی»، دومی «مائو تسه تونگ» و سومی دکتر «مصدق» است.** و یا «عبدالناصر» رهبر ملت‌گرای مصر، گفته بود: **"دکتر مصدق را سرمشق خود قرار دادم و کانال سوئز را برای مصر ملی کردم."** و یا سفیر وقت شوروی در ایران اعلام کرده بود: **" دولتش در برابر مصدق، به زانو افتاد."** و یا سازمان اطلاعات انگلستان در سالنامه خود در سال ۱۹۹۵ نوشت: **خسارتی که دکتر مصدق به انگلستان وارد کرد، از خسارتی که «هیتلر» در جنگ جهانی دوم به انگلیس وارد کرد، بیشتر بود. ما معترف هستیم در برابر مصدق، انگلستان شکست بی‌سابقه‌ای را متحمل شد.** از این روست که نگهبانان تباهی و تاریکی، همواره از شنیدن نام او واهمه دارند. اما چه باک! آرمان‌های او از گلوهای فرزندان میهن بر می‌خیزد و تا رسیدن به روشنایی و حاکمیت قانون و رفع تبعیض‌ها در سراسر میهن، طنین‌انداز خواهد بود.

درود به روان پاک «مصدق» بزرگ

برچیدن زندان سیاسی و مدنی خواست ملی است

برقرار باد سامان مردم‌سالاری و حاکمیت

حزب ملت ایران

تهران - ۱۵ اسفند ۱۳۹۹ خورشیدی